ن

ی و سلطنتی ٦

..... ٧

ن لایحه قانون ، کالت .

.....

سیاست در جهان

اجلاس شرم‌الشیخ ، غلبه حاشیه بر متن ٨

اسرائیل از فلسطینی ها گاز می خرد ٩

تروریسم پسامدرن .....

تصویر عراق مستقل .....

اقتصاد ایران و جهان

برگزاری نمایشگاه بهاره در ابهام ١٠

پایان اجلاس اکو .....

ژاندارک اوکراین یا پرنسس گاز ١١

ناجی نساجی فرانسه .....

ادامه سیر نزولی شاخص ها در بورس

بازار ، بازار ارز است .....

دیپلماسی

روزنامه شرق «سه شنبه ٢٧ بهمن ١٣٨٣

راهبرد آینده‌ساز

پرونده هسته‌ای ایران و امنیت منطقه

پروفسور محسن مسرت

بخش پایانی

دولت نومحافظه‌کار آمریکا و اسرائیل به حفظ موقعیت انحصاری برتری نظامی اسرائیل در منطقه مصمم هستند و کوشش دارند از ایجاد «توازن وحشت» در منطقه به هر نحو که شده جلوگیری کنند. اما دیگر جناح‌های قدرت در سطح جهانی چه هدفی را پیگیری می‌کنند، جناح‌های لیبرال مخالف سیاست خشونت‌آمیز آمریکایی در قبال ایران و کشورهای اتحادیه اروپا چه برنامه‌های میان و درازمدت برای حل ریشه‌های اصلی دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای دارند. آیا اینها طرفدار جدی سیاست تنش‌زدایی و حل عادلانه بحران‌های عمده در منطقه یعنی بحران فلسطین و بحران عدم توازن قوا در خاورمیانه هستند؟ متاسفانه جواب کلیه این سئوال‌ها منفی است. هم نیروهای متعادل آمریکایی و هم اتحادیه اروپا «مخمصه امنیتی» ایران و سایر کشورهای منطقه را جدی نمی‌گیرند. هم آمریکایی‌های معتدل که اخیراً در کمیسیونی به ریاست برژینسکی (مشاور رئیس‌جمهور اسبق آمریکا، کارتر) پیشنهاد همکاری‌های لحظه‌ای با ایران را طرح کردند و هم سه کشور اروپایی آلمان، فرانسه و انگلستان همگی حاضر به بسیاری همکاری‌ها و کمک به ایران از قبیل تضمین سوخت نیروگاه‌های هسته‌ای و بازگرداندن زباله‌های این نیروگاه و همکاری در سطح انتقال فناوری انرژی هسته‌ای و به رسمیت شناختن حق ایران در استفاده مسالمت‌آمیز از انرژی اتمی هستند؛ البته تنها به این شرط که ایران از دست یافتن به فناوری سلاح‌های هسته‌ای چشم‌پوشی کند یعنی عدم توازن نظامی قدرت به نفع موقعیت انحصاری اسرائیل دست نخورده بماند و «توازن وحشت» در منطقه جایگزین ناموزونی موجود نگردد. به نظر نگارنده درست به این دلیل که استراتژی «دو معنی نه تایید و نه رد» سیاست هسته‌ای اسرائیل و آگاهی بر این اصل که کلیه کشورهای بلوک غرب اعم از جناح‌های تندرو و خشونت‌طلب و یا جناح‌های معتدل موقعیت انحصاری نظامی اسرائیل را مورد سئوال قرار نمی‌دهند، ایران به راه دستیابی به فناوری هسته‌ای کشانده شده و سایر کشورهای مورد تهدید از قبیل عربستان سعودی و مصر نیز به این جهت سوق خواهند یافت. رهبران سیاسی جمهوری اسلامی با توجه به واقعیت عدم توازن قدرت و با پیروی از تئوری «توازن قدرت» (Balance of Power) که تئوری مسلط در روابط بین‌المللی است، چاره را در آن دیدند که خطرناک‌ترین و گران‌ترین فناوری موجود در سطح جهان که همان فناوری هسته‌ای باشد را در راس سیاست کلی و سیاست خارجی خود قرار دهند و حاضر به پرداخت مخارج اقتصادی، اجتماعی و سیاسی سنگین این راهبرد هم بشوند. سیاست دوپهلو و دومنظوره استفاده از فناوری انرژی مسالمت‌آمیز هسته‌ای در این دورنما در حقیقت بدلی است از استراتژی «مبهم نه تایید و نه رد» مسلح بودن به سلاح‌های هسته‌ای اسرائیل در حقیقت عکس‌العملی است در مقابل نادیده گرفتن «مخمصه امنیتی» ایران از طرف اتحادیه اروپا و سایر جناح‌های قدرت معتدل جهانی.

همان طوری که پیش‌بینی می‌شد ایران و اتحادیه اروپا به منظور جلوگیری از تشدید بحران با درایت به توافق جدیدی رسیدند و چنانچه تندروهای آمریکایی و اسرائیل به صرف زمینه‌سازی برای اهداف میان و دراز مدت خود مخالفت جدی با این توافق نکنند لزوم ارائه پرونده ایران به شورای امنیت منتفی خواهد بود. در این صورت ترویکا یعنی سه کشور پیشقدم اروپایی پیروزی دیپلماتیک خود را جشن خواهند گرفت و تاکید خواهند کرد که ایران را به قبول خواسته‌های آژانس انرژی اتمی دعوت کرده‌اند و جلو دستیابی این کشور به سلاح‌های هسته‌ای را گرفته‌اند. مسئولان جمهوری اسلامی نیز به نوبه خود توافق با اتحادیه اروپا را با این برهان به پیروزی دیپلماتیک ایران تعبیر خواهند کرد و آن را شکست آمریکا و اسرائیل معرفی خواهند کرد که ایران با قدرت در قبال خواسته اصلی اتحادیه اروپا یعنی تعلیق دائمی غنی‌سازی اورانیوم مقاومت کرد و زیر بار زورگویی نرفت و فقط به تعلیق موقتی و فناوری آن رضایت داد. اما سئوال اصلی این است که آیا با این همه پیروزی طرفین آیا موقعیت انحصاری نظامی اسرائیل در منطقه و «مخمصه امنیتی» ایران نیز دیگر وجود خارجی نخواهد داشت و اگر چنین نیست و مسئله امنیتی منطقه کمافی‌السابق به قوت خود باقی است، پس جواب مشکل چیست؟ صبر و انتظار و پذیرش پیامدهای موقعیت انحصاری هسته‌ای اسرائیل و تعیین سرنوشت فلسطینی‌ها و کلیه کشورهای منطقه به دست این کشور یا اینکه شروع مجدد تغلیظ اورانیوم در فرصت‌های مناسب آینده و الزاماً ریسک بحران جدید دیپلماتیک با مخارج سیاسی و اقتصادی سنگین آن که به نسل‌های حال و آینده ایران واگذار خواهند شد؟ در هر صورت قابل تعمق است که جمهوری اسلامی به تجربیات گذشته خود توجه کند. حال که می‌توان به راهبردهای پرخرج و خطرناک احتمالی دیپلماسی ایران انتقاد کرد و مسئولان جمهوری اسلامی ایران را به پیروی از آنها هشدار داد، آیا می‌توان راه‌ها و راهبردهای دیگری را هم عنوان کرد که پیامدهای خطرآمیز، بحران‌زا و پرخرج را دربرنگیرند، آینده‌ساز باشند و ارابه جدیدی را در جهت صلح پایدار در منطقه به حرکت دربیاورند. پرواضح است که بدون طرح جواب منطقی و عملی به این سئوال هرگونه انتقاد جدی به وضع موجود کم‌رنگ شده و قدرت منطق خود و انگیزه انتقاد را بی‌ارزش خواهد کرد. به نظر نگارنده چنین راهی اگر چه با هزاران چگونه و چراها زیر و بم‌هایی وجود دارد و البته احتمال اینکه راهبردهای نوین صلح منطقه، نه امروز و نه فردا بتواند نتایج قابل لمسی را در برداشته باشد، ولی پیامدهای مثبت آنها این چنان بر ایران و کلیه کشورهای منطقه وسیع، عمیق و پربرکت هستند که هم طرح و هم بحث جدی و همه‌جانبه آنها در سطح ملی و بین‌المللی چیزی جز صواب نمی‌تواند دربرداشته باشد. و اما این راهبرد نوین کدام است و خطوط اساسی این راه که به نظر نگارنده سیاست امنیت مشترک می‌باشند چگونه‌اند، کلیه کشورهای عضو امنیت مشترک خود را متعهد می‌نمایند که دید امنیت ملی خود را با دید امنیت دسته‌جمعی جایگزین کنند و به جای کسب برتری موقعیت نظامی بر دیگران از ابزار اعتمادسازی متقابل استفاده کنند و اعم کوشش خود را در جهت طرح و راه‌حل‌جویی کلیه مسائل فرامرزی خود به حرکت درآورند. بدین ترتیب کلیه مشکلات، مخمصه‌ها و تنگناهای متفاوت موجود در منطقه دورنمای جدیدی پیدا خواهند کرد که زمینه راهیابی‌های منطقی و پایدار را به وجود می‌آورد. در نظریه و مراحل اجرایی امنیت مشترک، تهدیدات یک‌جانبه و سیاست برتری نظامی دیگر محلی از اعراب ندارد. در این دورنمای جدید خاورمیانه بزرگ دیگر ترس دائمی یهودیان اسرائیلی از ناموزونی دموکراتیک ریشه‌های عینی خود را از دست خواهد داد و از اینکه جناح تندرو و جنگ‌طلب این کشور ترس عمومی را به ابزار سیاست برتری نظامی در منطقه و ممانعت از تشکیل دولت مستقل فلسطینی تبدیل کند پیشگیری خواهد کرد.

در این دیدگاه و دورنمای رقابت تسلیحاتی و خصوصاً تسلیحات هسته‌ای و سیاست «توازن وحشت» زمینه مشروعیت خود را به کلی از دست خواهد داد. نتیجتاً دید منافع و همکاری‌های مشترک منطقه‌ای و پایین آمدن مخارج سنگین رقابت‌های تسلیحاتی در اقتصاد ملی جایگزین نظریه و روش مسلط موجود خواهد شد که تنها عمر صنایع تسلیحاتی و جناح‌های خشونت‌طلب را طولانی خواهد کرد. سازمان امنیت و همکاری‌های مشترک اروپا (OSCE) به‌رغم کارشکنی‌های ایالات متحده و ناتو بیلان مثبتی را نمی‌تواند در تغییر روابط خصمانه تاریخی خود با شوروی و سپس روسیه عرضه کند. دیدگاه امنیت و همکاری‌های مشترک در خاورمیانه بزرگ با هدف تخلیص منطقه از وسایل کشتار دسته‌جمعی خصوصاً سلاح‌های هسته‌ای عمیقاً گره می‌خورد و طرد این نوع تسلیحات در کل منطقه و از جمله در اسرائیل اجباراً در راس کلیه فعالیت‌های دیپلماتیک منطقه‌ای و بین‌المللی ضرب‌الاجلی قرار می‌گیرد و دورنمای جدیدی را در حل بحران فعلی هسته‌ای ایران ترسیم می‌نماید. طبیعی است که نه جناح تندروی آمریکایی یعنی نئوکان‌ها و نه اسرائیل نه‌تنها در این هدف پیشقدم نخواهند بود، بلکه با توجه به حفظ موقعیت‌های انحصاری موجود و مطلوب نظر خود به مبارزه جدی با سیاست امنیت مشترک در منطقه خواهند پرداخت. اتحادیه اروپا که به دلیل ضعف نظامی خود در مقایسه با ایالات متحده و روسیه طرفدار سرسخت سازمان امنیت و همکاری‌های مشترک اروپا می‌باشد تا به حال مخمصه امنیت و همکاری‌های مشترک منطقه خاورمیانه را به راه انداخته است ولی تاکنون در این روند با انگیزه پیشگیری از شدت اختلاف با ایالات متحده در موضع دفاعی و غیرفعال به‌سر می‌برد. در صورت طرح جدی این سیاست در منطقه، احتمال تغییر موضع اتحادیه اروپا و شرکت فعالانه آن در این مسیر بسیار زیاد است. از نظر نگارنده رهبری سیاسی پیشقدمی در طرح جدی سیاست امنیت مشترک در خاورمیانه بزرگ به دلیل غیرقابل انکار ضعف نظامی و الزاماً موضع دفاعی موجود خود فقط می‌تواند به عهده کشورهایی از منطقه باشد که خود را دائماً در تهدید هسته‌ای اسرائیل حس می‌کنند. ایران با توجه به نقش ژئوپولتیک و سابقه فرهنگی چند هزار ساله خود و به عنوان مرکز و محور نوسازی سیاسی منطقه در یک قرن اخیر می‌تواند در رهبری و پیشقدمی به سوی دورنمای آینده‌ساز امنیت مشترک سهم بسزایی داشته باشد و در این راه نه‌تنها بحران هسته‌ای موجود را ریشه‌کن کند، بلکه آن جایگاهی را در تقارن با «جایگاه شرارت» در عرصه سیاسی و دیپلماتیک جهان کسب کند که شایسته آن می‌تواند باشد. طرح جدی امنیت مشترک از طرف ایران و دفاع از این دورنمای جدید در منطقه می‌تواند توازن قوای موجود با وزنه سنگین خشونت و جنگ‌طلبی درون آمریکا و اسرائیل را نیز به هم بریزد و در هر دو کشور اقلیت‌های دوراندیش و بانفوذ فرهنگی آنها را فعالانه وارد صحنه کند و در هر دو کشور از حامیان جدی که می‌توانند در فرصت زمانی میان‌مدت حتی به اکثریت سیاسی هم تبدیل گردند برخوردار گردد.